



صنعت

پتروشیمی

ایران امروز نه از

کمبود خوراک،

بلکه از کمبود

حکمرانی،

فناوری و

برنامه ریزی

یکپارچه رنج

می برد.

اگر ساختارها

اصلاح شود،

توسعه بر اساس

مزیت های

واقعی انجام

گیرد و تمرکز بر

تولید محصولات

با ارزش افزوده

بالا قرار گیرد،

خوراک نیز

قابل مدیریت

خواهد بود. اما

در غیاب این

اصلاحات، حتی

وفور خوراک نیز

تضمین کننده

توسعه نخواهد

بود

در دهه های اخیر، بخش قابل توجهی از طرح ها بدون توجه به مزیت های منطقه ای، ظرفیت خوراک، نیاز زنجیره ارزش یا اقتصاد سرمایه گذاری تصویب شده اند. نتیجه آن، انباشت طرح های کم بازده، پراکندگی جغرافیایی و عدم تکمیل زنجیره ارزش است. به علاوه، مجتمع هایی که محصولات میانی را خارج از چهارچوب عرضه می کنند یا از زنجیره ارزش منحرف می شوند، ساختار رقابت و توازن عرضه و تقاضا را دچار اختلال کرده اند، به بیان ساده: کمبود خوراک، بیشتر نتیجه بی انضباطی در توسعه است تا کمبود واقعی محصول.

▲ راهکارها: بازگشت به حکمرانی و تمرکز بر مزیت رقابتی

۱- تولید و نقش حاکمیتی شرکت ملی صنایع پتروشیمی باید احیا شود. این شرکت باید به عنوان نهاد سیاست گذار، تنظیم گر و ناظر عمل کند، نه به عنوان یک شرکت دار. هیچ طرح جدیدی نباید بدون تأیید جامع شرکت ملی صنایع پتروشیمی در زمینه تأمین خوراک، جایگاه آن در زنجیره ارزش، بازده اقتصادی و مزیت منطقه ای آغاز شود.

۲- طرح هایی که بازگشت سرمایه کمتر از ۲۰ درصد دارند، بویژه پروژه های متانول و اوره در صورتی که پیشرفت فیزیکی آنها زیر ۲۵ تا ۳۰ درصد است، باید متوقف شوند؛ زیرا ادامه این پروژه ها تنها منجر به اتلاف منابع مالی کشور می شود.

۳- تخصیص، تبادل و فروش محصولات میانی باید تحت نظارت سخت گیرانه شرکت ملی صنایع پتروشیمی انجام شود. هرگونه عرضه خارج از ضابطه، منجر به فروپاشی زنجیره ارزش می شود.

۴- تولید محصولات با ارزش افزوده بالا باید به راهبرد اصلی آینده صنعت پتروشیمی تبدیل شود. در این مسیر، تمرکز شرکت ملی صنایع پتروشیمی باید بر توسعه دانش فنی، خرید فناوری، مهندسی معکوس و همکاری های فناورانه قرار گیرد. وقتی دانش فنی ایجاد شود، دسترسی به خوراک تسهیل و مزیت رقابتی واقعی خلق می شود.

۵- بدون پیوند با اقتصاد جهانی، نه سرمایه لازم تأمین می شود، نه فناوری پیشرفته و نه بازارهای پایدار. صنعت پتروشیمی ایران برای بقا و رقابت در دهه آینده ناگزیر به اصلاح سیاست های کلان و گشودن مسیر تعاملات بین المللی است.

▲ جمع بندی

صنعت پتروشیمی ایران امروز نه از کمبود خوراک، بلکه از ضعف مدیریت، فناوری و برنامه ریزی یکپارچه رنج می برد. اگر ساختارها اصلاح شود، توسعه بر اساس مزیت های واقعی انجام گیرد و تمرکز بر تولید محصولات با ارزش افزوده بالا قرار گیرد، خوراک نیز قابل مدیریت خواهد بود. اما در غیاب این اصلاحات، حتی وفور خوراک نیز تضمین کننده توسعه نخواهد بود. ▀



یعنی ناکارآمدی فرآیندی و ساختارهای بوروکراتیک، سبب کاهش کارایی و ایجاد هزینه های پنهان شده است. سازمان های فربه، کند و ناسازگار، نه تنها مزیت ایجاد نمی کنند بلکه تبدیل به «ضد انگیزه» برای متخصصان و مانع توسعه واحدها می شوند.

▲ ۲- منابع مالی؛ گلوگاه دائمی یک صنعت سرمایه بر

عامل دوم، تأمین مالی است؛ عنصری که در تحلیل های روزمره کمتر دیده می شود، اما در عمل، تعیین کننده ترین چالش توسعه است. پتروشیمی صنعتی است با سرمایه گذاری اولیه بسیار سنگین و دوره بازگشت طولانی. بدون نظام مالی پایدار، صندوق های توسعه ای پویا، مدل های نوین تأمین مالی و مشارکت های واقعی خارجی، توسعه این صنعت در عمل امکان پذیر نیست. در یک دهه اخیر، بی ثباتی اقتصادی، تحریم، نوسانات بازار ارز و ضعف نظام بانکی سبب شده است که بخش قابل توجهی از پروژه ها در نیمه راه متوقف شوند، یا به صورت ناقص اجرا شوند و در نهایت به واحدهای کم بازده تبدیل شوند.

مشکلات امروز برخی واحدها، از کمبود سرمایه در گردش تا ناتوانی در خرید کاتالیست، ناشی از همین ضعف ساختاری است. بدون اصلاح این گلوگاه، هیچ میزان خوراکی نمی تواند موتور توسعه را روشن نگه دارد.

▲ ۳- نیروی انسانی؛ سرمایه ای که پشتیبان توسعه پایدار است

نیروی انسانی متخصص، با انگیزه و دارای امنیت شغلی عامل سوم است. در ابتدای توسعه صنعت پتروشیمی، بخش مهمی از موفقیت ها مرهون نسل متخصصانی بود که با انگیزه و با شرایط کاری امن، درگیر توسعه های بزرگ شدند. اما امروز، با پیچیده تر شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی، دغدغه های شغلی، عدم ثبات و محدود شدن مسیر رشد شغلی، بخش مهمی از توان و تمرکز نیروی انسانی را تحلیل برده است.

وقتی فضای کاری نتواند آرامش و اعتماد لازم را فراهم کند، نوآوری نیز شکل نمی گیرد. در بسیاری از تجربیات جهانی، منابع انسانی رکن اول توسعه تلقی می شود؛ اما در کشور ما، این رکن کمتر مورد توجه سیاستی قرار گرفته است.

▲ ۴- خوراک؛ مهم اما نه عامل اصلی

خوراک چهارمین عامل در توسعه پتروشیمی است؛ بی تردید عاملی مهم، اما نه تعیین کننده مطلق. در طراحی اولیه توسعه صنعت پتروشیمی ایران در اواخر دهه ۷۰ و اوایل ۸۰، بر اساس مزیت های نسبی و مطلق، دو قطب اصلی در عسلویه و ماهشهر شکل گرفت. فراوانی خوراک گازی، وجود بنادر، دسترسی به آب و زیرساخت های پشتیبان، دلیل اصلی این تمرکز بود. در ۲۵ سال گذشته، بخش مهمی از ظرفیت پتروشیمی ایران بر همین پایه رشد یافت. اما واقعیت این است که حتی در نبود خوراک فراوان، صنعت پتروشیمی در بسیاری از کشورها توسعه یافته است. نمونه هایی مانند کره جنوبی، ژاپن، چین و برخی کشورهای اروپایی نشان می دهد که با تمرکز بر تولید محصولات با ارزش افزوده بالا و تسلط بر دانش فنی، می توان خوراک را خرید و صنعت را رقابتی نگه داشت. بنابراین، نگرانی از نبود خوراک، اگر با ضعف فناوری و حکمرانی همراه باشد، به نگرانی واقعی تبدیل می شود؛ اما در صورت اصلاح ساختارها، این نگرانی قابل مدیریت است.

▲ توسعه بی ضابطه؛ عامل اصلی برهم خوردن توازن خوراک

بخش مهمی از چالش امروز توازن خوراک، حاصل واگذاری های بدون ساختار، توسعه های پراکنده، صدور مجوزهای بی هدف و نبود تولید واحد در صنعت است.